

رمضان خونین غزه

«اسرائیل باید مانند یک سگ دیوانه باشد، آنقدر خطرناک که کسی نتواند مزاحمش شود.» این سخنان موشه دایان، وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی و طراح نظریه بازدارنده «گزینه سامسون» است.



«اسرائیل باید مانند یک سگ دیوانه باشد، آنقدر خطرناک که کسی نتواند مزاحمش شود.» این سخنان موشه دایان، وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی و طراح نظریه بازدارنده «گزینه سامسون» است. اگر به رنج ها و مشکلاتی که این روزها بر مردم غزه و دیگر فلسطینی های ساکن در اراضی اشغالی می رود نگاه کنیم، می توان تا حدودی به فلسفه برخورد خشونت آمیز صهیونیست ها علیه فلسطینیان پی برد. گرچه این خشونت ها برای چند دهه است علیه فلسطینی ها ادامه دارد، اما این روند از آغاز سال 2014 شدت بیشتر و تازه تری به خود گرفته است. برای درک بهتر اتفاقات کنونی، بهتر است نگاهی گذرا به سیر تحولات چند ماه گذشته در فلسطین و اراضی اشغالی داشت.

شکست مذاکرات سازش و دولت وحدت ملی فلسطین

جان کری، وزیر امورخارجه آمریکا اواخر سال 2013 و اوایل 2014 به روند مذاکرات سازش میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها بسیار امیدوار بود. دیدارهای مختلف میان تزیبی لیونی و صائب عریقات، نمایندگان دو طرف در این مذاکرات، مقامات واشنگتن را به حصول توافق خوشبین کرده بود، اما همان طور که پیش بینی می شد این بار نیز همچون دفعات گذشته، این مذاکرات به بن بست خورد. عامل اصلی به شکست رسیدن این مذاکرات نیز کاملاً مشخص بود؛ ادامه شهرک سازی های رژیم صهیونیستی.

پس از شکست این مذاکرات، مقامات تشکیلات خودگردان فلسطین روندی را آغاز کردند که به هیچ وجه به مذاق صهیونیست ها خوش نیامد. اواسط اردیبهشت بود که فتح و حماس پس از هفت سال جدایی، توافقنامه آشتی را در غزه امضا کردند و مقرر شد طی یک ماه تلاش برای تشکیل دولت وحدت ملی آغاز شود.

در نهایت دوازدهم خرداد، شهر رام الله در کرانه باختری رود اردن، شاهد تحولی بزرگ در وحدت ملی فلسطینی ها و اعلام تشکیل دولت برآمده از وفاق فتح و حماس بود. همان طور که انتظار می رفت این اقدام با واکنش شدید صهیونیست ها روبه رو شد. آنها ابتدا از جامعه جهانی خواستند این دولت را به رسمیت نشناسد. البته خبر تشکیل دولت وحدت ملی با استقبال گسترده کشورهای اروپایی و سازمان های بین المللی روبه رو شد. بنیامین نتانیاها، نخست وزیر رژیم صهیونیستی سپس تهدید کرد که دولت جدید فلسطینی را تحریم، اموال آن را بلوکه و همکاری های امنیتی با آن را قطع خواهد کرد. در واکنش به این تهدیدها، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان تاکید کرد: فلسطینی ها برای وفاق خود اهمیتی بزرگ قائل هستند و به باج خواهی اسرائیلی ها تن نخواهند داد. صهیونیست ها برای تحت فشار قرار دادن فلسطینی ها، دست به اقدامات عملی نیز زدند و یک هفته پس از اعلام تشکیل دولت وحدت ملی، طرح ساخت 1500 واحد مسکونی در شهرک های صهیونیست نشین در قدس و کرانه باختری را با وجود تاکید جامعه جهانی مبنی بر غیر قانونی بودن ساخت آنها، تصویب کردند.

علاوه بر این اقدامات، نیروهای صهیونیست هر چند روز یکبار، موضوعی را در نوار غزه مورد اصابت موشک های خود قرار می دادند، اما اوایل تیر اتفاقی افتاد که آغازگر موج جدید و شدید خشونت ها بود.

ربایش 3 اسرائیلی؛ بهانه صهیونیست ها برای خشونت بیشتر

سه جوان اسرائیلی ساکن در کرانه باختری، به طرز مشکوکی ربوده شدند. مقامات و نیروهای رژیم صهیونیستی همچون دفعات گذشته و بدون بررسی ابعاد این ماجرا، نیروهای مقاومت را مسئول این اقدام معرفی کردند و در حالی که کابینه رژیم صهیونیستی در مورد این اتفاق تحت فشار شدید داخلی قرار داشت، دست به بازداشت گسترده فلسطینی ها زد.

در عرض کمتر از سه هفته نزدیک به 1500 فلسطینی دستگیر شدند که بنا به اعلام منابع خبری، نزدیک به 300 نفر از آنها را نوجوانان تشکیل می دادند. اراضی اشغالی هر روز شاهد تظاهرات گسترده فلسطینی ها بود و در این میان برخی کارشناسان از وقوع انتفاضه سوم سخن می گفتند. در این میان و پس از گذشت سه هفته، جسد آن سه جوان ربوده شده در فاصله چند کیلومتری از محل سکونت شان پیدا شد. از این به بعد بود که خشونت نیروهای صهیونیست شدت بیشتری به خود گرفت. اولین نمونه از این خشونت ها از سوی گروهی از شهرک نشینان افراطی انجام شد. این افراد محمد ابوخصیر، نوجوان شانزده ساله فلسطینی ساکن کرانه باختری را ربودند. جسد محمد سه روز بعد و در حالی که نیمی از آن سوخته بود در جنگلی نزدیکی محل سکونتش پیدا شد. تحقیقات نشان داد این افراد پس از ربودن محمد، او را زنده زنده سوزانده بودند. در حالی که انتقادهای بین المللی نسبت به این اتفاق در حال افزایش بود، نیروهای اسرائیلی به بهانه دست داشتن حماس در ربودن آن سه جوان اسرائیلی و با هدف از بین بردن حماس، حملات گسترده ای را علیه نوار غزه آغاز کردند.

آغاز حملات به مردم روزه دار

حملات جنگنده های صهیونیستی به نوار غزه در حالی آغاز شد که فقط چند روز از ماه مبارک رمضان گذشته بود. حال با گذشت بیش از دو هفته از آغاز این حملات، آنچه بیش از همه جلب توجه می کند نبود کودکان در خیابان های شهر است. ساحل غزه

که معمولاً بعد از ظهرها مملو از جمعیت بود، حالا کاملاً آرام و ساکت شده است. پارک الازهر (در نزدیکی دانشگاهی به همین نام) و پارک بارسلونا که دو پارک مهم غزه است، این روزها هیچ بازدید کننده ای را به خود نمی بیند. طی این مدت، جنگنده های رژیم صهیونیستی نزدیک به 300 نقطه از نوار غزه را هدف قرار دادند که بر اثر آن بیش از 600 فلسطینی شهید و بیش از 4000 نفر زخمی شده اند. فلسطینی ها در واقع در حال تجربه همان روزهای جنگی هستند که سال های 2009 - 2008 و 2012 مشاهده کردند. البته بر خلاف دفعات قبل، از پنجشنبه گذشته نیروهای اسرائیلی حمله زمینی خود را نیز به غزه آغاز کرده اند.

در مقابل این حملات، نیروهای مقاومت نیز اقدام به پرتاب موشک به سمت اراضی اشغالی کرده اند که تاکنون به اذعان خود صهیونیست ها بیش از 15 سرباز اسرائیلی کشته شده اند. البته بر خلاف اراضی اشغالی و شهرک های صهیونیست نشین، هیچ پناهگاهی در غزه برای محافظت از جان مردم وجود ندارد و تنها سامانه هشدار، یک شلیک هشدار دهنده است. این اقدامات به این معناست که فلسطینی ها باید طی 10 دقیقه خانه خود را ترک کنند تا از اصابت موشک ها در امان باشند. البته منابع خبری گزارش کرده اند که این اقدامات هشدار دهنده فقط محدود به روزهای نخست بود.

از سوی دیگر، در مقابل انتقادات بین المللی و گروه های حقوق بشری بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفته به هیچ وجه در مقابل این انتقادات کوتاه نیامده و به حملات خود به غزه ادامه می دهد. زمانی متوجه شرایط سخت مردم غزه می شویم که بدانیم براساس گزارش سازمان های بین المللی، از 1.8 میلیون نفر ساکن غزه حدود 900 هزار نفر دسترسی به آب سالم ندارند، نزدیک به 50 هزار نفر آواره و حدود 150 هزار خانه یا به طور کامل تخریب یا با خساراتی جزئی رو به رو شده است. وضع آواره ها نیز چندان مطلوب نیست.

خط اصلی آب رسانی به اردوگاه پناهندگان الشاطی مورد اصابت موشک قرار گرفته و آسیب دیده است. این در حالی است که نزدیک به 50 درصد از سیستم فاضلاب شهری و همچنین چند مرکز درمانی، متحمل خساراتی شده است. همین موضوع باعث شده افراد آواره یا در خیابان ها زندگی کنند یا به صورت دسته جمعی به خانه یکی از بستگانشان بروند؛ البته این موضوع هم خطرات خاص خود را دارد و ممکن است همان اتفاقی رخ دهد که برای خانواده تایسر البطش (رئیس پلیس غزه) افتاد؛ اصابت دو موشک به خانه وی باعث به شهادت رسیدن 18 نفر از اعضای خانواده او شد.

تداوم این حملات باعث شده تا سحرها و عصرهای رمضان امسال غزه هیچ شباهتی با سال های گذشته نداشته باشد. بیشتر مغازه ها و مراکز خرید بسته است و فقط عده کمی و آن هم در نزدیکی افطار در خیابان ها دیده می شوند. در شب نیز به غیر از خبرنگاران و گروه های امدادی به سختی می توان شهروند عادی را در خیابان های تاریک و وحشت زده غزه مشاهده کرد.

اوج جنایت صهیونیست ها زمانی مشخص تر می شود که پای صحبت افرادی همچون ابراهیم ابوخالص بنشینیم. ابراهیم سی و پنج ساله شغلش را به عنوان راننده آمبولانس در سال 2008 آغاز کرد و تاکنون شاهد سه عملیات نیروهای اسرائیلی علیه مناطق مختلف نوار غزه بوده است. او که این روزها در رفت و آمد دائم در خیابان های شهر است، عقیده دارد تفاوتی میان این سه جنگ وجود دارد. وی در مصاحبه با الجزیره انگلیسی اظهار کرد: «سال 2008، ما با موشک هایی رو به رو بودیم که پس از اصابت به بدن، گوشت انسان را به تکه های بزرگ تقسیم می کرد و این موشک ها تمام بدن را می سوزاند، اما در حملات چند هفته اخیر با موشک هایی مواجه هستیم که گوشت بدن را به تکه های بسیار کوچک تبدیل می کند و این نشان می دهد اسرائیلی ها با گذر زمان میزان خشونت خود را افزایش داده اند.»

گاهی اوقات ممکن است تصور انجام این جنایت ها و فجایع از سوی صهیونیست ها کار دشواری باشد، اما برای درک بهتر این حوادث بهتر است یک بار دیگر جمله نقل شده از موشه دایان را بخوانیم: «اسرائیل باید مانند یک سگ دیوانه باشد، آنقدر خطرناک که کسی نتواند مزاحمش شود.»

حسین خلیلی / گروه بین الملل